

سوگواری محرم و صفر و یا شب‌های احیاء در مقابل حکومت دست به نافرمانی زدند. چنین تجربه‌ای به آنان آموخت که هر حکومتی، از جمله حکومتی که بر استبداد دینی استوار است، تا زمانی بر جاست که یک نظم قانونی آن را باز می‌سازد و به آن نظم قانونی از جانب مردم تمکین می‌شود. قانونی که نه یک گروه کوچک از مردم، بلکه توده‌ای میلیونی آن را به زیر پا گیرند کاغذ پاره‌ای بیش نیست و به کار فرمان‌روائی نخواهد آمد. وانگهی، نافرمانان را می‌توان به محاکمه کشاند و به شکنجه‌گاه فرستاد، اما، تا زمانی که شمارشان از چند صد و چند هزار فراتر نرود. هرگاه سرپیچی از قانون و فرمان حکومت به رفتار روزانه چند صد هزار و یا چند میلیون تبدیل شود، هیچ دستگاه سرکوب و کنترلی نیست که بتواند در برابر آن بایستد، در شرایطی که نافرمانی مدنی ابعادی توده‌ای پیدا می‌کند، هر یک نفر که به شمار نافرمانان اضافه می‌شود بر مصونیت همگی آنها در برابر مجازات و تنبیه می‌افزاید. در برابر چنین سلاحی، به یقین، دستگاه‌های اطلاعاتی، پلیس و دادگاه‌ها به مراتب آسیب پذیرترند تا در برابر بمب و موشک.

به علاوه، بسیاری از مردم سال پیش دریافته‌اند، دست زدن به نافرمانی تقریباً از هر کسی برمی‌آید؛ خصوصاً اگر منحصر باشد به شکل «مدنی» آن. بکارگیری این شیوه، برخلاف بسیاری از شیوه‌های دیگر به جایگاه ساختاری گروه‌های جمعیت و یا موقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی آنان مشروط نیست. به همین سبب، در سالی که سپری شد کم‌تر کسی بود که اراده می‌کرد، اما نمی‌توانست به گونه‌ای و تا درجه‌ای به نافرمانی دست بزند و در غیر قابل حکومت کردن جامعه سهمی پیدا کند. مسئله‌ای که وجود داشت جمعی ساختن حرکت‌های فردی و هم جهت ساختن و هم زمان نمودن اقدام‌های نا هم جهت و نا هم زمان بود. معضلی که حل آن در گرو شکل‌گیری شبکه‌های ارگانیک هدایت و هماهنگی است، که سال گذشته شاهد نطفه بندی آنها در بطن حرکت‌های

دانشجویان، کارگران، زنان و تهری‌دستان شهری بودیم.

کار جدی در تدارک نظری، می‌توانست این فرآیند را نیرو و شتاب بخشد. در پاسخ به چنین ضرورتی در حالی که چپ بیش‌ترین تکلیف را داشت، اما آمادگی اندکی از خود نشان داد.

فعالان سیاسی ایرانی و تجمع‌های آنها بیرون از مرزهای ملی نیز در سالی که گذشت امیدوارتر و پر تحرک‌تر با حرکت‌های مردم داخل کشور همراه شدند. آنان نیز از موج باز اندیشی‌ای که برخاسته بود بر کنار نماندند و در بینش و رفتار عملی خود از بازنگری پروا نکردند. گروه‌هایی در میان آنان به تلاش خود برای تشدید انزوای بین‌المللی حکومت اسلامی افزودند و خصوصاً فشار خود را متوجه بستن راه‌های تنفس و تغذیه دستگاه‌های سرکوب پلیسی و ایدئولوژیک آن ساختند. در چنین راستایی رویکرد مؤثر را در بسیج مستقیم از پایین یافتند. تجارب پیشین به آنان آموخته بود در شرایطی که منافع آزمندانه قدرت‌های بزرگ می‌تواند پشت چهره‌ی بزرگ کرده حکومت که پنهان شود، و مسابقه برای به رقابت در گسترش روابط با جمهوری اسلامی را توجیه می‌کنند، توسل به بالائی‌ها نتایجی مایوس‌کننده‌ای خواهد شد. در چنین شرایطی به وجود آوردن گروه‌های فشار و تلاش برای همراه کردن نهادهای بورکراتیک کم‌ثمرتر از همیشه است. به عکس، جلب همبستگی شخصیت‌های مستقل پیشرو و مدافع حقوق بشر و نیز انجمن‌ها، اتحادیه‌ها و جنبش‌های فرهنگی، سیاسی و مدنی شرط مقدم است. این رویکرد سال پیش دست‌آوردهای مهمی داشت.

در وجه دیگر، این گروه‌ها سال پیش توانستند به جای دفاع محض از قربانیان جنایات رژیم، به تهاجم بی‌گیر علیه نهادهای سرکوب و ترور روی آورند. در این مسیر دو حرکت مهم - هر چند در سطح کنونی‌اش، نمادین - در ماه‌های پایانی این سال صورت گرفت. این حرکت‌ها با ظرفیت‌هایی که

دارند قطعاً می‌توانند سرآغازی باشند برای دور تازه‌ای از مقابله جهانی مؤثر با حکومت اسلامی.

یکی از این حرکت‌ها تشکیل کمیسیون مستقلی بود که در سطح بین‌المللی، رسیدگی به پرونده قتل‌های زنجیره‌ای را در دستور کار خود قرار داد و به صورت دادگاه موازی اعلام موجودیت کرد. قدم‌های اولیه این حرکت با حمایت شمار زیادی از شخصیت‌های برجسته جهانی و توسط کمیته حقوق بشر کانون حقوق‌دانان و وکلای بریتانیا برداشته شد. در حالی که تا رسیدن به نتیجه قطعی راه زیادی در پیش است، هم اکنون می‌توان مدعی شد که این کارزار در نوع خود کم سابقه است و می‌تواند رویارویی با ماشین ترور و سرکوب جمهوری اسلامی را کیفیتی تازه بخشد. تشکیل این کمیسیون نخستین کوششی بود در معرفی یک جای‌گزین در برابر دادگاه‌های فرمایشی جمهوری اسلامی. و تلاشی بود در جهت این که توان و ظرفیت کسانی که قتل‌های زنجیره‌ای آنان را به مقابله با رژیم اسلامی برانگیخته بود حول برپائی یک دادگاه مستقل بین‌المللی بکار افتد.

حرکت بعدی نیز تهاجمی مستقیم بود علیه امکانات سرکوب رژیم فقها. در این حرکت شبکه صدا و سیما، یعنی ارگان اصلی سرکوب ایدئولوژیک هدف قرار گرفت. در پی تدارکی چند ماهه، اتحادیه روزنامه‌نگاران بریتانیا در این جهت پیش قدم شد و در چند مرحله طرح تحریم صدا و سیما جمهوری اسلامی را تهیه و در دستور کار اجلاس سالیانه خود قرار داد. در این اجلاس که در نخستین روزهای سال نو برگزار شد این طرح به صورت قطع‌نامه‌ای به تصویب رسید. اهمیت طرح و تصویب این قطع‌نامه، به اندازه‌ای است که شاید بتوان آن را در ردیف مهم‌ترین دست‌آوردهای جنبش آزادی‌خواهانه مردم ایران در سالی که گذشت دانست. اقدام به برقراری تحریم مستقیم از پایین اصولاً سابقه زیادی ندارد، اما، تلاش برای تحریم دستگاه